

نثارخوس و راه دشوار دور

محمد عبدلی^۱

چکیده

در نوشته‌های مورخان کلاسیک نظیر کوینت کورس، پلینی و دیودور سیسیلی درباره وقایع عصر اسکندر در ایران مطالب مفیدی در دسترس است، اما بهترین آثار درباره اوضاع تاریخی و جغرافیایی جنوب ایران در آن عصر، بدون شک کتابهای *اِنَدیکا* و *اَناباسیس* یا همان *لشگرکشی اسکندر به آسیا و ایران* نوشته آریان نیکومدیا است. بطور کلی کتاب *اَناباسیس* به موضوعات مختلف سفر نثارخوس در هند و خلیج فارس مربوط است. در نوشتار حاضر با تأکید بر آثار آریان و همچنین بر اساس نوشته‌های دیگر مورخان کلاسیک خط سیر دقیق سفر دریایی نثارخوس (دریاسالار اسکندر) از مبدأ آن در رود ایندوس (سند) تا مقصد آن در شوش به تفصیل و با ذکر جزئیات مورد بررسی قرار گرفته است و کوشش شده تا خط سیر نثارخوس برغم تغییرات بسیاری که در ادوار مختلف تاریخی از زمان اسکندر تا به امروز رخ داده با مسیرهای جغرافیای کنونی تطبیق داده شود. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی- تطبیقی و براساس منابع کتابخانه‌یی انجام شده است.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ نثارخوس؛ اسکندر؛ آریان؛ ایران

مقدمه

آریان (۸۶-۱۸۰ م) در شهر رومی نیکومدیا واقع در بی‌تی‌نیه آسیای صغیر متولد شد (Bosworth, 1976: 117). او در دوران جوانی از شاگردان اپیکور^۲ فیلسوف معروف یونانی بود که نزد او فلسفه می‌آموخت (Easterling, 1989: 143).

آریان آثار متعددی دارد، اما کتابی که سبب شهرت او شده، کتاب *اَناباسیس*^۳ یا همان *لشگرکشی اسکندر به آسیا و ایران* است (Arrian, 2013: 4). آریان در کتاب *تاریخ اسکندر* از بین سه منبع اصلی، که شامل نوشته‌های آریستوبولوس^۴، بطلمیوس^۵ و کلیخارتوس^۶ بود، از دو منبع اول بهره گرفته و کلیخارتوس را با توجه به اینکه او هام‌پردازی کرده کنار گذاشته است. البته دو نفر اول در *لشگرکشی* به آسیا حضور داشته و شاهد وقایع بوده‌اند (Stadter, 1967: 13). کتاب *اِنَدیکا* ضمیمه کتاب *اَناباسیس* آریان می‌باشد. آریان بخش اول کتاب *اِنَدیکا* را از نوشته‌های مگاستنس^۷ وام گرفته (McCrinkle, 1877: 30-40) و همچنین گاهی از مطالب اراتوستنس^۸ هم استفاده کرده است. بطور کلی این کتاب به موضوعات مختلف سفر نثارخوس در هند و خلیج فارس مربوط است (Roller, 2010: 37).

2. Epictetus

3. Anabasis

4. Aristobulus (۳۰۱-۳۷۵ ق.م)؛ مورخ، مهندس معمار و از سرداران اسکندر

5. Ptolemy (۲۸۳-۳۶۷ ق.م)؛ از سرداران اسکندر و بنیانگذار سلسله بطالسه مصر

6. Cleitarchus؛ از مورخان اسکندر در نیمه دوم قرن چهارم قبل از میلاد

7. Megasthenes (۲۹۰-۳۵۰ ق.م)؛ مورخ، دیپلمات و کاشف یونانی

8. Eratosthenes (۱۹۴-۲۷۶ ق.م)؛ ریاضیدان، جغرافیدان و اخترشناس یونانی

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (بنیاد ایران‌شناسی)

برای آغاز سفر دریایی، اسکندر ۱۵۰ کشتی تهیه کرد که اغلب ملاحان آن مقدونی و یونانی بودند (Bosworth, 1980: 142). به اقوال دیگر برای این سفر ۳۲ کشتی بزرگ و چند کشتی کوچک مخصوص حمل آذوقه تهیه شده بود (Sick, 2000: 131-133). بجز کارگران و ملاحان و پاروزنان، نفرات قشون بیش از دوهزار نفر بود که نشان‌دهنده یک سفر دریایی بزرگ است (Nawotka, 2009: 332).

شروع سفر در ماه اکتبر سال ۳۲۶ ق. م بود. نثارخوس از رود هیداسپ^۱ که امروزه «جهلوم» نامیده میشود، راه جنوب را در پیش گرفت و به کشف نواحی اطراف رود پرداخت (Skelton & Del, 2009: 60). او پس از گذشت بیش از پنج ماه توانست خود را به دلتای رود سند برساند (Kosmin, 2014: 34). در نزدیکی مصب، شهر با اهمیت پاتالا واقع بود که در حدود شهر حیدرآباد امروزی است (Andre, 1980: 102). پاتالا از اعصار گذشته دارای موقعیت نظامی و تجاری خاص بود و مرکز بازرگانی هند و ایران محسوب میشد (Dani & Bernard, 1994: 81). بنظر میرسد در زمان هجوم اسکندر پاتالا بندرگاه اصلی رود سند بوده است (Vincent, 1797: 146). بسیاری معتقدند پاتالا نامی یونانی است (Dani & Bernard, 1994: 85).

بعد از پاتالا، نثارخوس وارد اقیانوس شد. البته مقدونیان به اقیانوس نوردی عادت نداشتند و با امواج سهمگین روبرو شدند. آنها گمان میکردند دریانوردی که در پیش دارند، همانند آبهای آرام در شمال مدیترانه و دریای اژه است (Rollin, 1815: 287-288).

در ادامه سفر اکتشافی، نثارخوس در دلتای رود سند به جزیره ایموسوم به کیلوتا رسید. محل کیلوتا به تحقیق مشخص نشده است (Mensch & Others, 2012: 254). در نزدیکی کیلوتا جزیره دیگری هم قرار داشت که ناوگان به آن رسیدند و آریان نیز همانند دیودور سیسیلی^۲

در نوشتار حاضر خط سیر نثارخوس از مبدا آن در هند تا مقصد آن در شوش را مورد بررسی قرار میدهیم. هرچند تغییرات بسیاری در ادوار مختلف تاریخی از زمان اسکندر تا به امروز رخ داده است، اما بسیاری از نوشته‌های آریان را با وضع کنونی تطبیق داده‌ایم.

اسکندر پس از تسخیر سرزمینهای کرانه سند در هندوستان، آرزو داشت که از رود سند گذشته به دریای عمان و خلیج فارس راه یابد و سپس از سرزمینهای دور دست و اسرارآمیز عربستان جنوبی و یمن و آفریقا که آن روزگار برای جغرافیدانها و سرداران و بازرگانان ناشناخته بود، دیدن نماید و آنان را جزو قلمرو مفتوحه خود بسازد (Morkot, 1996: 9). اسکندر در راستای اجرای این هدف، تدارکات لازم را فراهم آورد و فرماندهی نیروی دریایی را که قرار بود برای اکتشافات دریایی فرستاده شود، به نثارخوس که معتمدش بود، سپرد (Tripathi, 1999: 141).

نثارخوس (۳۶۰-۳۱۲ ق. م) در جزیره کرت دریای مدیترانه متولد شد. وی در جوانی به شهر آمفی‌پولیس در مقدونیه رفت و در آنجا رشد یافت (Heckel, 2008: 171). در سال ۳۳۳ ق. م از سوی اسکندر ساتراپی لیکیه و پامفیلیا در آسیای صغیر به او واگذار شد (Martinetti, 1824: 155). بعد از پایان نبردهای دریایی در جنوب آسیای صغیر و زمانی که اسکندر، فیثقیه، پایگاه دریایی پارسیان را فتح کرد، همراه با او به مصر و بابل رفت و در ادامه نیز تا فتح قلمروهای ایرانی شوش، تخت‌جمشید، پاسارگاد و اکباتان همراه او بود. آنها در ادامه به تعقیب پادشاه شکست‌خورده پارسیان، یعنی داریوش سوم پرداختند و به استانهای شمال شرقی امپراتوری هخامنشی، یعنی باکتری و سغد رفتند (Tritle & Heckel, 2011: xxi). بعد از این وقایع نثارخوس به همراه اسکندر به هند رفت و فرماندهی پیاده نظام سنگین را در هیداسپس عهده‌دار شد (Chamoux, 2008: 28-29). بعد از وقایع هندوستان اسکندر تصمیم گرفت به بابل بازگردد و به ناوگان دریایی نیز امر کرد که مسیر رود هیداسپس را بمنظور شناسایی محیط پیمایش کنند (Gergel, 2004: 120). پس از مرگ اسکندر نیز اتفاقاتی برای نثارخوس رخ داد که ذکر آنها در این مجال نمیگنجد (Plutarch, 1959: 73. 1.2 / Diodorus, xix. 69. 1).

1. Hydaspes

۲. Diodorus Siculus (حدود ۳۰-۹۰ ق. م)؛ مورخ رومی اهل سیسیل

نثارخوس و افرادش هنوز در جزیره کیلوتا بودند و برای حرکت باید منتظر بادهای شمال غربی میشدند. ولی بدلیل درگیریهای کوچک با مردمان بومی، یکماه زودتر به راه افتادند. بادهای موسمی ماه سپتامبر برای حرکت کشتیها مناسب نبود (Seibert, 1985: 171). در ادامه سفر نثارخوس به خلیج کوچکی در نزدیکی ساحل رسید که لنگرگاه مناسبی داشت و بمدت بیست و چهار روز در آنجا منتظر بادهای موافق شمال شرقی نشستند. این بادها از ماه نوامبر بعد شروع به وزیدن میکردند (Balbi, 1835: 475). ژوستینوس^۲ مینویسد که این شهر در محل رودخانه ایسینس بود (Justinus, 1853, xii. 10). رودخانه ایسینس با رود چناب امروزی برابر است که از رودخانههای اصلی هند و پاکستان میباشد (Bosworth, 1993: 126).

و کورتیوس روفوس^۱ نام جزیره را ذکر نکرده است: (Diodorus, xvii. 104. 1 / Quintus, 1971: ix. 9. 27) اسکندر در این ناحیه لشکر خود را به سه قسمت تقسیم کرد: بخشی از سپاهیان را به همراه محمولههایی که از هند آورده بود، به کراتروس سپرد. کراتروس باید از نواحی آراخوزیا و زرنکا عبور میکرد و در کارمانا به اسکندر میپیوست (Behnke, 2007: 109 / Romm, 2005: 154).

بخش دوم به همراه شخص اسکندر و همراهان وی و قسمت اعظم سپاهیان قرار شد از راه خشکی گدورزیا عبور کرده و بعد از گذشتن از پورا به کارمانا برسند. بخش سوم هم به همراه نثارخوس و افرادش مسیر دریایی را طی کنند و در کارمانا به اسکندر و کراتروس بپیوندند (Meijer, 2014: 131 / Briant, 2006: 756).



۲. Marcus Junianus Justinus Frontinu. مورخ رومی سده اول یا دوم میلادی

۱. Quintus Curtius Rufus. مورخ رومی در قرن اول میلادی

تومروس با رود هینگول امروزی در جنوب شرقی بلوچستان و ناحیه گدار قابل تطبیق است (Rapson, 1957: 382).

پس از یک هفته توقف، دوباره سفر را آغاز کردند و به ناحیه مالانا رسیدند. فاصله مالانا تا رودخانه تومروس سبب استادی^۲ بود (Eggermont, 1975: 78). این ناحیه مرز اقوام اوریت بود که از رود آرابیوس تا این نقطه زندگی میکردند (Smith, 1999: 107). بین ناحیه مالانا و دماغه جاسک، سواحل سرزمین اختیوفاگیها^۳ یا همان ماهیخواران فقیر بود که اندکی گوسفند تمام دارایی شان بود و حتی آب آشامیدنی سالم نداشتند (Bevan, 1864: 249). سایر نویسندگان یونانی نیز این ناحیه را بسیار فقیر معرفی کرده‌اند که مانند عصر حجر زندگی میکردند (Savil, 1990: 127). البته اسکندر قبل از نثارخوس وارد این سرزمین شده بود و مقصودش تهیه آذوقه برای ناوگان دریایی بود (Bourguignon, 1791: 494). نثارخوس در مالانا توقف نکرد و پس از سفر یکروزه به باگا زرا وارد شد و سپس از دماغه نیز گذر کرد. درست در روبروی دماغه و در چند مایلی ساحل، آریان از جزیره کارنین نام میبرد که همان جزیره آشتولا امروزی میباشد (Smith, 1999: 108). آریان مینویسد که بگفته اهالی هیچکس قدرت ورود به این جزیره را نداشته است و متعلق و به نیروهای آفتاب بوده است (Jackson, 1906: 96).

نثارخوس پس از طی دو روز مسافت از دماغه گذشت و در سمت غرب به موزارنا رسید. آریان از این دماغه نامی نمیبرد، اما براساس موقعیت مکانی و مشخصات باید همان دماغه پاسنی امروزی باشد (Heckel, 2008: 172-175 / Vincent, 1797: 217 - 225). هرچند امروزه در سمت غرب دماغه پاسنی لنگرگاه مناسبی وجود ندارد و اگر موزارنا ناحیه‌یی آباد هم بوده امروز از آن اثری نیست. البته در محل دماغه پاسنی بندرگاه هیرپاین باستانی است که محل داد و ستد تاجران هندی، بین‌النهرینی و خلیج فارس بوده است (Baluchistan, 1907: 46). همچنین

۲. Stadion؛ واحد اندازه‌گیری در دوران باستان است. هر استادی تقریباً برابر با ششصد و یا حدود ۱۸۰ متر است.

۳. Ichthyophagi؛ دلیل اینکه قوت غالب مردمان این سرزمین ماهی بود، یونانیان چنین لقبی به آنها داده بودند.

اسکندر که زودتر از ناوگان نثارخوس به راه افتاده بود به سرزمین اوریتانها رسید که شرقیترین بخش گدورزیا محسوب شد (Eggermont, 1975: 68). این سرزمین موقعیت مکانی خوبی داشت. اسکندر بعد از شکست دادن اقوام اوریتانی در آنجا یک پایگاه بنام اسکندریه تأسیس کرد. پایگاه نزدیک شهر رامباکایا اوریتاتی بود (Quintus, 1971: ix. 10. 4-8). این ناحیه در منابع بعدی اسکندریه اوریتون ذکر میشود (Schmits, 1857: 361). شخصی بنام آپولوفانس از جانب اسکندر ساتراپی آنجا را عهده‌دار شد و شخص دیگری بنام لئوناتوس نیز عهده‌دار گارد لشگریان گشت، این اقدامات برای آن بود که وقتی نثارخوس به این منطقه میرسد، در امان باشد (Green, 2013: 558).

بر اساس نوشته‌های برجای مانده مشخص است که این ناحیه بسیار آباد بوده و محصولات فراوانی نظیر مُر، مورد، سنبل هندی و برنج، گندم و... داشته است و تجار فینیقی که در سپاه اسکندر بودند نیز از صمغ گیاه معطر مُر جمع میکردند تا به یونانیان که بسیار طالب آن بودند، بفروشند (Savill, 1990: 125). البته بگفته پلینی^۱ گیاهان خوشبوی منطقه پناگاه مارهای سمی هم بود که موجب مرگ چهارپایان و سپاهیان میشد (Pliny, 1855: 115). در کتاب سفر در دریای اریتره از نویسنده‌یی ناشناس، که چهار قرن بعد از اسکندر نوشته شده، نیز به رونق و آبادانی و محصولات فراوان این ناحیه اشاره شده است (Periplus, 1912: 38).

ناوگان نثارخوس نیز پس از گذرکردن از رودخانه آرابیوس به کرانه‌های اوریتها رسیدند که قبلاً توسط اسکندر امن شده بود (McCrindle, 1901: 82). رودخانه آرابیوس با رود پورالی امروزی در جنوب غربی پاکستان مطابقت دارد (Nawotka, 2009: 333). در سواحل رود آرابیوس، امواج و بادهای شدید بسیار سهمگین بودند که باعث غرق شدن سه کشتی شدند. از اواخر ماه نوامبر بعد بادهای شمال شرقی کشتیرانی را در سواحل آسان مینمودند و نثارخوس نیز به دهانه رودخانه تومروس رسید (Eggermont, 1975: 68). رودخانه

۱. Gaius Plinius Secundus (۲۳-۷۹ م.) معروف به پلینی بزرگ، طبیعی‌دان و فیلسوف و نویسنده رومی

داشتند و دارای نخلستان و باغات میوه بودند (Messrs, 1809: 41). مقصد بعدی کی‌زیا^۲ و دماغه گوادر بود که از آن گذشتند. برای نثارخوس و افرادش آذوقه بسیار کم شده بود و ذخیره غذایی رو به پایان بود (Arrowsmith, 1839: 606). در غرب دماغه گوادر، شهری موسوم به باژیا قرار داشت که مکان امروزی آن قابل تشخیص نیست (Vincent, 1797: 235). بعد از شهر باژیا سه مکان دیگر تالمنا، کاناسیدا، کناته قرار داشتند. محل تالمنا با احتمال زیاد نزدیک روستای دَرک امروزی باشد (Clarke & Others, 1803: 12). آریان تنها از بندرگاه این شهر نام میبرد. کاناسیدا نیز مکانی است که امروزه با دماغه تیز / تیس و رودخانه آن در خلیج چابهار قابل تطبیق است. تیز در واقع آغاز ساحل یا دریای هند می‌باشد (Alberuni, 1910: 208). کناته هم مکانی فقیر بود که به قول آریان آذوقه‌یی در آنجا یافت نمیشد (Levin; 2005: 40-41).

در سمت غرب کناته کشتیها به ناحیه نسبتاً آبادی به نام تروی‌زیس رسیدند که مکان آن امروزه قابل تشخیص نیست. البته بطلمیوس از آن بعنوان مازیس، ماجیس، ماجیدا نامبرده است (Schmieder, 1798: 161). مکان بعدی که نثارخوس به آن رسید، بادیس بود که بندر جاسک فعلی است (Wilson, 2012: 40). گویا بین بادیس، بندر چارک^۳، شهر پاتالا هند و عربستان اوادامون^۴ روابط بازرگانی برقرار بوده است (Aquiue, 1974: 148). در بادیس کشتیها توقفی نمودند و پس از چندی به دماغه‌یی رسیدند که از آنجا عمان پیدا بود.

دماغه مذکور با رأس الکوه مطابقت دارد. زیرا در اینجا عرض عمان کم شده و از جاسک ببعد بواسطه ارتفاع زیاد میتوان دماغه ماکتا (مسندام) را دید (Hawley, 1970: 31). خود آریان نیز به این مطلب اشاره کرده است که این دماغه جزیی از جزیره عربستان و معروف به ماکتا میباشد. دارچین و دیگر ادویه‌جات خوشبو از اینجا به بین‌النهرین حمل میشدند (Bretzel, 1903: 21). همچنین منابع کلاسیک نیز این مطلب را تایید میکنند. اراتوستنس مینویسد: از

عدم وجود چنین مکانی را نیز نمیتوان قبول کرد، زیرا در نوشته‌های بطلمیوس از آن ناحیه به عنوان مرز بین گدورزیا و کارمانی نام برده شده است. نکته دیگر اینکه لنگرگاه پاسنی در مشرق دماغه است (Arrowsmith, 1839: 605).

نثارخوس در موزارنا با شخصی بنام هیدارسس^۱ آشنا شد که به راه‌ها آشنایی کامل داشت و وجود چنین شخصی بسیار ضروری مینمود. با وجود هیدارسس ناوگان در روز مسافت قابل توجهی را طی میکردند و در نقاط مسکونی و پرونق پهلو میگرفتند (Vincent, 1797: 219 / Briant, 2002: 759-760). هیدارسس طریقه استفاده از باد دریا و باد خشکی را برای دورزدن دماغه‌ها به نثارخوس آموخت. دورزدن دماغه‌ها قبلاً بسختی انجام میشد (Clarke & Others, 1803: 13).

در این هنگام که نثارخوس در موزارنا بسر میبرد، اسکندر نیز به شهر پورا رسیده بود. پورا امروزه با حدود شهر بمپور مطابقت دارد (Bourguignon, 1791: 494). اسکندر وقت زیادی نزدیک شصت روز در گدورزیا تلف کرد. دلیل آن سخت بودن مسیر، عدم وجود آب آشامیدنی و آذوقه مناسب (Thirlwall, 1852: 66)، گرمای زیاد در روز و سرمای استخوان‌سوز در شب و نبردهای گاه و بیگاه با ساکنان مناطق بود (Savill, 1990: 125). آریان مینویسد سختیهای که اسکندر در گدورزیا متحمل شد، بیشتر از مصائب فتح آسیا بود (Romm, 2005: 154). اسکندر زمانی که از هند حرکت کرد تا زمانی که به پورا رسید نیمی از سپاهیان‌ش در گدورزیا از بین رفته بودند (Gummings, 2004: 399-400). هر چند اسکندر و همراهانش با سختیهای زیادی از این منطقه عبور کردند، اما همین را نیز مدیون راهنمایی‌های مردمان بومی منطقه بودند (Romm, 2005: 148). اسکندر بعد از مدتی استراحت در پورا، بسمت کارمانا حرکت کرد.

در ادامه سفر بعد از گذشتن از موزارنا، کشتیها به ناحیه بارنارسیدند. مردمان این ناحیه متمدن بودند و با نثارخوس بخوبی برخورد کردند. مردم بارنا با فنون کشاورزی آشنایی

2. Kyzia

۳. Charak؛ در حدود بندر لنگه امروزی، از بنادر لارستان قدیم است.

۴. Eudaimon Arabia؛ نامی است که یونانیان به بخش جنوبی شبه جزیره عربستان داده بودند.

1. Hydraces

محقق شد (Haerincq, 1998: 273-300). بعد از دو روز توقف در ایستگاه دیگری از جزیره قشم، نئارخوس دوباره به راه افتاد. در ادامه سفر بسمت جنوب جزیره تومبو رسیدند که محل امروزی آن مشخص نیست. سپس سمت شمال را در پیش گرفتند و در کرانه‌های ساحلی، شهری بنام سیدودون^۳ را یافتند که تقریباً با روستای شیاس امروزی مطابقت میکند و بنظر میرسد سرزمینی فقیر بوده است (Buckingham, 1829: 468-470). نئارخوس همچنین جزیره کیش را هم دیده و با انتظار نعمت فراوان به آن وارد شده است، ولی جزیره نامسکون بوده و مردم بیگانه در آنجا رفت و آمد داشتند (Levin, 2005: 42).

اسکندر نیز در کارمانا لشگر خود رو دو بخش کرده بود: بخش اعظم لشگر را به هفائستون داد که از کوههای ساحلی خود را به پرسپولیس برسانند و خود به همراه افرادش راه شمالی را در پیش گرفت تا به پرسپولیس برسد. بعد از آنجا نیز بسوی شوش رهسپار شدند (Heckel, 2016: 92).

نئارخوس نیز بعد از کیش به جزیره کایکاندروس^۴ رسید. کایکاندروس همان جزیره شیخ شعیب یا جزیره لاوان امروزی است (Vincent, 1797: 346-348). آریان در اینجا از بندرگاهی بنام آپوستانی هم نام میبرد که گویا کمی از دریا فاصله داشته است. آپوستانی با بندر بستان و یا ابوستان امروزی کاملاً مطابقت دارد (Vincent & Others, 1807: 12). در سمت شمال آپوستانی نیز دماغه‌یی بوده که پشت آن خلیجی آباد قرار داشته است؛ دماغه‌یی که نئارخوس نام برده همان دماغه نابند/ نی‌بند امروزی بوده که گاهی تحت عنوان دهراسبان هم ذکر شده است (Oriental, 1828: 50/9). ایستگاه بعدی نئارخوس کوگانا^۵ بوده است که همان بندرکنگان امروزی است. ناوگان در ادامه به رودخانه سیتاکوس رسیدند و برای مدت بیست روز در آنجا لنگر انداختند. پلینی این نام را سیتوگاگوس ثبت کرده است (Pliny, 1855: 119). سیتاکوس همان رودخانه‌یی است که امروز مند نامیده میشود و در بوشهر جاری است و به خلیج فارس میریزد.

هرموز و دماغه کارمانیا میتوان دماغه ماکیه در عربستان را دید (Bibby, 1973: 12). آمیان مارسلینوس^۱ نیز این مطلب را ذکر کرده است (Blazquez, 2006: 7-20).

اسکندر که از پورا بسمت ایالت کارمانا حرکت کرده بود، در این زمان، یعنی پاییز ۳۲۵ ق.م. به آنجا رسیده بود و در تپه یحیی اقامت گزیده بود (Justinus, 1997: 267). کراتروس نیز که در دهانه رود سند بعنوان بخش اول سپاه جدا شده بود، در اینجا به اسکندر پیوست (Heckel, 2008: 321-324).

مقدونیان در ادامه پس از طی مسافت در دوروز، به رودخانه آنامیس رسیدند و در آنجا توقف نمودند. درباره محل آن نوشته شده که آنامیس نزدیک هرمز بوده است (Smith, 1846: 1147). پلینی و بطلمیوس از این رود بعنوان آنانیس نام برده‌اند (Vincent, 1797: 297). آنامیس با رودخانه میناب امروزی قابل تطبیق است (Wilson, 2012: 40). همچنین این ناحیه دارای آب و هوای خوب بوده و همه محصولی در آنجا یافت میشد. افراد نئارخوس در اینجا به استراحت پرداختند (Forster, 1844: 36). نئارخوس پس از پهلوگرفتن ناوگانش در رودخانه میناب، به دیدار اسکندر در کارمانا شتافت.

وی پس از دیدار اسکندر، در اوائل سال ۳۲۵ ق.م دوباره به راه افتاد و به جزیره اوراکتا^۲ که همان جزیره قشم امروزی است رسید (Briant, 2006: 758) و در راه از جزیره نامسکون دیگری بنام اورگانایا همان جزیره جرون یا هرمز امروزی دیدن کرد (Bosworth, 1993: 151). در جزیره اوراکتا درختان مو و نخلستان و غله فراوان وجود داشت (Groom, 1986: 65). همچنین نوشته شده که مقبره نخستین پادشاهان این کشور در این جزیره بوده و طول جزیره ۷۰۰ استادیا میباشد (Groom, 1995: 180-194).

در قشم یک راهنمای ایرانی که مازانس نام داشت، پذیرفت که راهنمای سفر نئارخوس شود و به قشون او پیوست. البته به توصیه شخصی بنام میتروپاتس این عمل

3. Sidodon
4. Kaikandros
5. Kogana

۱. Ammianus Marcellinus؛ (حدود ۳۳۰-۴۰۰ م) مورخ یونانی الاصل اهل روم
2. Oracta



نقشه شماره ۲: مرحله دوم سفر نثارخوس از کارمانا تا شوش. خط سیر اسکندر و هفائستون هم مشخص است. (تحقیق و ترسیم: نگارنده)

انداخت (MCKinner, 1813:17). همچنین وی از وجود یک کاخ پادشاهی پارسی، در فاصله دویست استادیایی رود گرانیس خبر داده است (Picard, 1961:52).

تاوکه در دوران هخامنشیان نیز بسیار مهم بود و در الواح تخت جمشید نیز بنام تموکن از آن یاد شده است (Henkelman, 2008:306). در کاوشهای باستان‌شناختی اوایل دهه ۱۳۵۰ ه.ش که در این محوطه انجام شد و بررسیهایی که اخیراً در این منطقه صورت گرفته است و کاوش در کاخ دیگر هخامنشی، این فرضیه قوت گرفت که تاوکه ذکر شده در منابع یونانی میبایست در جلگه برازجان واقع شده باشد (Fisher & Gershevitch, 1968:402). برخی از مورخان همچون استرابو نیز از کاخی پارسی در ساحل خلیج فارس بنام تاوکه نام برده‌اند (Potts, 1988:137-167).

نثارخوس بعد از حرکت مجدد کشتیها به سواحل بوشهر رسید که قبلاً در دوران هخامنشیان نیز شناخته شده بود. آریان این شهر را مزامباریا^۱ ثبت کرده و نوشته که شبه جزیره‌یی است و با باغهای فراوان و انواع درختان میوه‌دار (Haerincq, 1998:22-40). نزدیک به قسمت جنوبی شبه‌جزیره نیز هیراتیس قرار داشته است (Humphries, 1974:49-77) که جای پرجمعیتی بوده و تنها نقطه مسکونی ساحل خلیج فارس بوده است و با عنوان یونانی «پولیس» یعنی شهر نامیده می‌شده است. گویا هیراتیس بندری بوده در نزدیکی تاوکه^۲ (Kervran, 2004:263) و در سمت شمال در نزدیکی دهانه رودخانه گرانیس. رود گرانیس امروز با رود شاپور (هله یا دالکی) مطابقت دارد (Mallowan, 1972:6/33). Cook, 1983:33) نثارخوس در ساحل مشرف به آن لنگر

1. Mesamberia
2. Taoke

دیری دوتیس در آن زمان مرکز بازرگانی کالاهای عربستان و ایران بود. دیری دوتیس با بندر تردون بعدی برابر است. در آنجا نثارخوس مطلع گشت که اسکندر به شوش رفته است (Rooke&Clerc,1814:254). به این ترتیب وی مقداری از مسیر رفته را برگشت و مسیر را از رود پازی تیگریس^۵ یا همان کارون امروزی دنبال کرد (Wilson, 2012: 42) نثارخوس در بین راه از مکانی بنام آژینیس^۶ نام برده که هنوز بدرستی مکان آن مشخص نیست، ولی با احتمال زیاد روستای زین یا خورموا^۷ در کنار دجله باشد و یا مکانی در دهانه کارون (Vincent&Others,1797:429-445). متأسفانه مطالب موجود از سفرنامه نثارخوس آن قسمتی که مربوط به مکانها و رودخانه‌های اطراف شوش و رود کارون است، بسیار مبهم و گنگ میباشد و نوشته‌های آریان با وضع کنونی قابل تطبیق نیست.

بعد از مدتی اسکندر و نثارخوس در شوش یکدیگر را ملاقات کردند. اسکندر از دیدار نثارخوس بسیار خوشحال شد و از او و افرادش تقدیر نمود.

بعد از رود گرانیس، نثارخوس به بندر روگونیس رسید و در آن محل رودخانه‌یی یافت. روگونیس همان بندر ریگ امروزی است (Aquique,1974:149). رود دیگری که رو به شمال به آن رسیدند، بری زونا^۱ میباشد که مکان آن با حدود رود گاوانه در شمال بندر خور قابل تطبیق است. مقدونیان در حرکت بسمت غرب نیز در نزدیک ساحل به رودخانه آروزیس رسیدند که امروز هندویان نام دارد (Vincent, 1797: 372 - 378). آریان با توجه به بزرگی رود آروزیس، آن را مرز بین پارس و سوزیان در نظر گرفته است.

مکان بعدی برای لنگر انداختن رود کاتادریس^۲ بود که همان ناحیه رأس مطلوب امروزی است. در برابر دلتای رود، جزیره‌یی بنام مارگاستانا^۳ قرار داشت که جزیره دارا و بونا امروزی است (Buckingham,1829:259-260). در این ناحیه بدلیل عمق کم سواحل، قشون نثارخوس بسیار به دردر افتادند. با ادامه حرکت کشتیها طی سه روز آنان به مکانی تحت عنوان دیری دوتیس^۴ در نزدیکی دهانه فرات رسیدند (Anisworth,1838:185-190).



نقشه شماره ۳: نقشه کامل سفر نثارخوس از اسکندریه هند تا شوش و همچنین خط سیر اسکندر، کراتروس و هفائستون. (تحقیق و ترسیم: نگارنده)

5. Pasitigris
6. Aginis

1. Brisona
2. Kataderbis
3. Margastana
4. Diridotis

نتیجه‌گیری

سفر نئارخوس در خلیج فارس نشان می‌دهد که تا قبل از آن، اسکندر و همفکرانش آگاهی چندانی از موقعیت و نواحی جنوب ایران و همچنین بنادر و مراکز استقراری نداشتند و در این محدوده وسیع، همان نظم و ترتیب سیستم اداری هخامنشیان حاکم بود. همچنین وجود افرادی مانند هیدارسس و مازانس مؤید این مطلب است که ایرانیان در آن دوران آشنایی کامل به راهها و دانستیهای دریایی داشتند. به هر گونه، سفر نئارخوس را در کرانه‌های عمان و خلیج فارس باید از هر حیث، یک اقدام اکتشافی بزرگ دانست. زیرا کشتیرانی در سواحل ناشناس و مکتوب کردن دیده‌ها و شنیده‌ها بین اهالی بومی، کاری بسیار دشوار است. همچنین تنوع آب هوایی در جنوب ایران و اقلیم چندگانه مناطق که شامل سرزمینهای خشک ساحلی و در جای دیگر ناحیه سرسبز و آباد بود، کار را سخت‌تر نیز میکرد. بدون شک علاقه و اشتیاق اسکندر و نئارخوس به دریانوردی و آشنایی با دریاها و اقیانوسها کمتر از پادشاهان هخامنشی نبود. با همه لطامات و خساراتی که اسکندر بر سرزمین پارس وارد ساخت، در این زمینه خاص، حقی بزرگ بر کاشفان، دریانوردان و جهانگردان اعصار بعد دارد.

منابع

- (Translator), Alexander the Great: The Anabasis and the Indica. Oxford University Press, 2013.
- Arrowsmith, Aaron (a), A Compendium of ancient and modern geography: for the use of Eton School. Published for the author, London, 1839.
- Balbi, Adriano and Bradford, Thomas Gamalil, an Abridgement of Universal Geography, Modern and Ancient, Published by: W. D. Tick nor, 1835.
- Baluchistan (Pakistan) Baluchistan district gazetteer series. printed at Bombay Education Society's Press. 1907.
- Behnke, Alison. The Conquests of Alexander the Great, Publisher Twenty First Century Books, 2007.
- Bevan, Latham William and Smith, William, the Students Manual of Ancient Geography, Murray, London, 1864.
- Bibby. T. C. Preliminary survey in east Arabia 1968. Jutland Archaeological Society publications 12, Copenhagen, 1973.
- Blazquezmartinez J. M. : "Arabia the Arabs and the Persian Gulf". Gero'n 2006.
- Bosworth, A. B. , Conquest and Empire: The Region of Alexander the Great, Published by Cambridge University Press. 1993.
- Bosworth, A. B, "Errors in Arrian". Classical Quarterly. ,1976.
- Bosworth, A. B. A Historical Commentary on Arrian's History of Alexander, Vol 1. Oxford: Oxford University Press. 1980.
- Bourguignon, Jean Baptists, Compendium of Ancient Geography, Published by Printed for R. Faulder. 1791.
- Bretzel D, H. : Botanischeforschungen des Alexanderzuges, Leipzig, Verlag Von B. G. Teubner 1903.
- Briant Pierre, Histoire de l'EmpirePerse. De Cyrus à Alexandre (1996) - in English, From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire 2002.
- Briant, Pierre and Eisenbrauns, From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire, Contributor Peter T. Daniels, Published by EISENBRAUNS, 2006.
- Buckingham, James Silk. Travels in Assyria, Media and Persia, Publisher Colburn, 1829.
- Chamoux, Francois ,Hellenistic Civilization, Publisher John
- = Alberuni's India: An Account of the Religion, Philosophy, Literature, Geography, Chronology, Astronomy, Customs, Laws and Astrology of India about A. D. 1030, by Edward C. Sachau Published by Kegan Paul, Trench, Trübner& Co. , 1910.
- André Cf. J. et J. Filliozat: "PataleouPatala transcription de gr. τα Παταλα [ta Patala]", Plinel'Ancien: Histoire Naturelle, TexteÉtabli, Traduit et Commenté, Paris, Sociétéd'Éditions les Belles Lettres, Livre VI, 1980.
- Anisworth, William , Researches in Assyria, Babylonia, and Chaldea: forming part of the Labours of the Euphrates expedition, publisher John W. Parker, 1838.
- Aquique, Md. Economic History of Mithila. Abhinav Publications, 1974.
- Arrian; Martin Hammond (Translator); John Atkinson

- Heckel, Waldemar, Alexander's Marshals: A Study of the Makedonian Aristocracy and the Politics of Military Leadership, Publisher Routledge, 2016.
- Heckel, Waldemar, Who's Who in the Age of Alexander the Great: Prosopography of Alexander's Empire, Publisher John Wiley & Sons, 2008.
- Henkelman, W. , From Gabae to Taocce: the geography of the central administrative province, in: P. Briant, W. Henkelman, & M. Stolper (eds.), L'archive des fortifications de Persepolis, Paris. 2008.
- Humphries, J. H. : "Harvard Archaeological Survey in Oman. II. Some Later Prehistoric sites in Sultanate of Oman", Proceeding of the Seminar For Arabian studies 4, 1974.
- Jackson, A. V. Williams . History of India, Volume II. London: The Grolier Society. 1906.
- Justinus, Marcus Junianus Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus. translated, with notes, by the Rev. John Selby Watson. London: Henry G. Bohn, York Street, Convent Garden 1853.
- Justinus, Marcus Junianus, Epitome of the Philippic History of Pomposus Trogus, Alexander the Great, Translated by John Yardley, London. 1997.
- Kervran, M. : "Archaeological Research at Suhar 1980-1986", The journal of Oman studie, 2004.
- Kosmin, Paul J. "Apologetic Ethnography: Megasthenes' Indica and the Seleucid Elephant". In Eran Almagor, Joseph Skinner. Ancient Ethnography: New Approaches. Bloomsbury Publishing. 2014.
- Levin, Leonard A. and Arnold, Anthony C. , Neuro Ophthalmology: The Practical guide, Published by thieme, New York, 2005.
- Mallowan, M. Cyrus the Great, Iran , 1972.
- Martinetti, Giuseppe Gaetano. Collezione classica: ossiate sorodella antichità Giudaiche, Caldee, Indiane, Egiziane, Greche, De Fragmentis Berosi Chaldaei, Magasthenis Persae, Publisher Boulzaler, 1824.
- Clarke, James Stanier, Galvão, António, Locke, John. The progress of maritime discovery, from the earliest period to the close of the eighteenth century, forming an extensive system of hydrography. London, T. Cadell, and W. Davies, & University of California Libraries. 1803.
- Cook, J. M. The Persian Empire. Shoken Books, 1983.
- Cummings, Lewis Vance, Alexander the Great, , Publisher Grove Press, 2004.
- Dani A. H. & Bernard, P. "Alexander and His Successors in Central Asia", in János Harmatta, B. N. Puri and G. F. Etemadi (editors), History of civilizations of Central Asia, Paris, UNESCO, Vol. II, 1994.
- Diodorus Siculus, Bibliotheca historica, Book xvii & xix.
- Easterling P. E; B. M. W. Knox, the Hellenistic period, vol1, the Cambridge history, 1989.
- Eggermont, P. H. L. , Alexander's Campaigns in Sind and Baluchistan and the Siege of the Brahmin Town of Harmatella, Published by Peters Publishers, 1975.
- Fisher, William Bayne, I. Gershevitch , The Cambridge History of Iran, Volume 2, Cambridge University Press, 1968.
- Forster, C. : The Historical Geography of Arabia, London, 1844.
- Gergel, Tania, ed. The Brief Life and Towering Exploits of History's Greatest Conqueror as Told By His Original Biographers. Penguin. 2004.
- Green, Peter. Alexander of Macedon, 356-323 B.C. : A Historical Biography, University of California Press, 2013.
- Groom, N. : "The Periplus, Pliny and Arabia", Arabian archaeology and epigraphy 6, 1995.
- Groom. N. : "Eastern Arabia in Ptolemy's map", Proceeding of the Seminar for Arabian studies, 16. 1986.
- Haerincq, E. : "The shifting pattern of overland and seaborne trade in Sea rabia: forein pre-Islamic coins from Mleiha", Akkadica 106, 1998.
- Hawley, Donald The Trucial States, illustrated, reprint, publisher, Ardent Media, 1970.

- D. Huntington, Harvard University, 1815.
- Romm, James, Alexander the Great, Translated by: Pamela Mensch and James Romm, Published by Hackett Publishing, 2005.
- Rooke, Arrian, John , Jean Le Clerc, Arrian's History of Alexander's Expedition, publisher R. Lea, 1814.
- Savill, Agnes, Alexander the Great and his time, published by Barnes and Noble Publishing, New York, 1990.
- Schmieder, Friedrich Gotthilf Benjamin. Ἀρριανου Ἰνδικη. Arriani Historiaindica, cum Bonav. Vulcanii interpretatione latina permultis locis emendatiore. Recensuit et illustravit Fridericus Schmieder. Henrici Dodwelli Dissertatio de Arriani Nearchi. Vincentii refutatio Dodwelli, 1798.
- Skelton, Debra. Dell, Pamela. Empire of Alexander the Great, Infobase Publishing, 2009.
- Smith, Vincenta A. , the early History of India, Third Edition, Mehra Offset Press, Delhi, 1999.
- Smith, William, Dictionary of Greek and Roman Geography (1854) . Publisher John Murray, Albemarle Street. Taylor and Walton, 1846.
- Stadter, Philip, "Flavius Arrianus: The New Xenophon". Greek, Roman and Byzantine Studies. 1967
- The Oriental Herald and Journal of General Literature, Volume 19, the University of California, 1828.
- Thirlwall, Cannop, a History of Greece, Published by Longman, Brown, Green and Longmans. 1852.
- Tripathi, Rama Shankar, History of Ancient India, Motilal Banarsidass Publ, 1999.
- Tritle, John. Heckel, Waldemar, Lawrence A. Alexander the Great: A New History, Publisher Wiley & Sons, 2011.
- Vincent, William, Thomas Cadell, William Davies, The Commerce And Navigation Of The Ancients In The Indian Ocean: In Two Volumes, Publisher T. Cadell and W. Davies, 1807.
- Vincent, William. The Voyage of Nearchus from the Indus to the Euphrates, London, 1797.
- Wilson, Arnold. The Persian Gulf (RLE Iran A). Publisher Routledge, 2012.
- McCrindle, J. W. Ancient India As Described By Megasthenes And Arrian. London: Trübner & Co. 1877.
- McDKinner, J. : A Geographical Memoir of the Persian Empire, London 1813.
- McCrindle, John Watson, Ancient India, Published by Adamant Media Corporation, 1901.
- Meijer, Fik. A History of Seafaring in the Classical World (Routledge Revivals), publisher Routledge, 2014.
- Mensch, Pamela. Plutarch, James S. Romm, Lives that Made Greek History, Hackett Publishing, 2012.
- Messrs. Cadell and Davies in the Strand. The voyage of Nearchus, and the periplus of the Erythrean Sea, University Press. London, 1809.
- Morkot, Robert, The Penguin Historical Atlas of Ancient Greece. Penguin, 1996.
- Nawotka, Krzysztof, Alexander the Great, Cambridge Scholars Publishing, 2009.
- Periplus of the Erythraean Sea: Travel and Trade in the Indian Ocean by a Merchant of the First Century, New York: Longmans, Green, and Co, 1912.
- Picard, C: Les marins de Nearque et le ralais de L' expedition d' Alexandredans le golfe Persique, Rev arch 53. 1961.
- Pliny, the Natural History of Pliny, Translated, With Copious Notes and Illustrations by the Late John Bostock, M. D. , F. R. S. , and H. T. Riley, ESQ. , B. A. , vol. III, London, 1855.
- Plutarch, Moralia, Harvard University Press, 1959.
- Potts, D. T. : "Arabia and the Kingdom of Characene", in D. T Potts (ed), Araby the Blest, Copenhagen, Carsten Niiebuhr Institute Publications 7, 1988.
- Quintus Curtius Rufus, History of Alexander with an English translation by John C. Rolfe, Harvard University Press; vol9, 1971.
- Rapson, Edward James The Cambridge History of India, Volume 1, CUP Archive, 1957.
- Roller, Duane W. Eratosthenes' Geography. New Jersey: Princeton University Press, 2010.
- Rollin, Charles. Macedonians, and Grecians, Volume 6, Publisher